

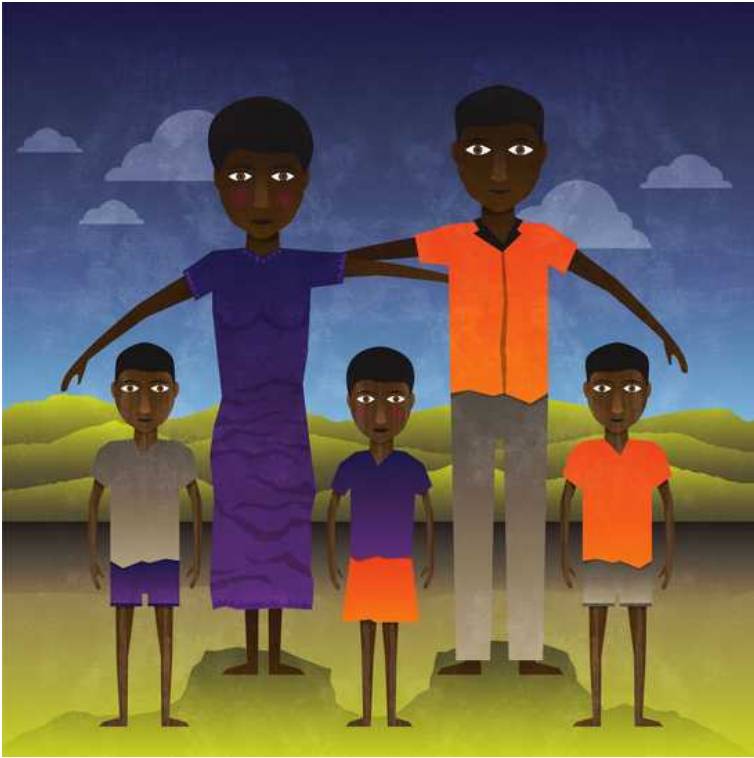


کودکانِ مومی

- ✎ Southern African Folktale
- 👤 Wiehan de Jager
- 📖 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)
- 💬 dari
- 📊 nivå 2



بود و نبود خانوادہ‌ای بودند کہ شاد زندہ گی می گردند.



آن‌ها هیچ‌وقت با هم جنگ نمی‌کردند. آن‌ها درخانه و زمین‌های
دهقانی به پدر و مادرشان کمک می‌کردند.

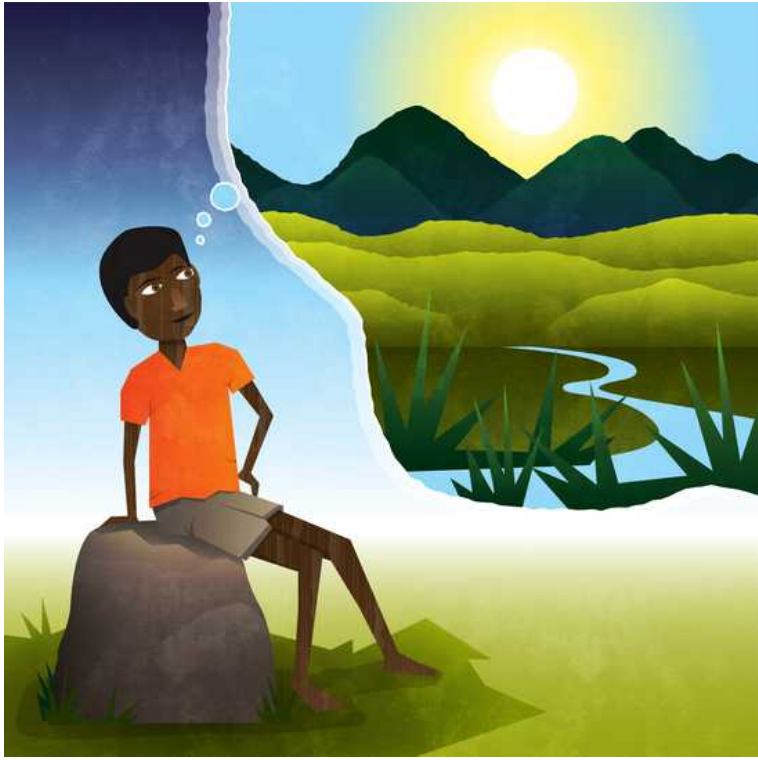


وَلِي أَنهَآ إِجَازَهِي نَزْدِيكَ شِدَن بَه أَتَش رَا نَدَاشْتَنَد.





آن‌ها مجبور بودند که تمام کارهای خود را در طول شب انجام دهند. چون بدنشان از موم ساخته شده بود.



أما يكي از پسرها آرزو داشت كه در زير نور آفتاب بيرون برود.



یک روز، او دیگر نتوانست طاقت کند. برادرهایش به او هشدار دادند که بیرون نرود.

اما ديگر خيلي دير شده بود! او در اثر آفتابِ سوزانِ ذوب شد.





کودکان مومی خیلی ناراحت شدند که دیدند برادرشان در
جلوی چشمانشان نوب شد.



وَلِي أَنهَا يَكُ فِكْرٍ دَاشْتَنَد. أَنهَا كُؤلِهِي نُؤب شُدِهِي موم رَا بَه
شِكْلِ يَكِ پَرْنِدِه دَر آؤرْدَنَد.



آنها برادرشان را که به شکل پرنده در آمده بود را بالای یک کوه بلند بردند.



وَقْتِي كِه آفتاب طلوع گرد، برادرِشان همین طور کِه آواز
می خواند، به دوردست‌ها پرواز گرد.



Sagor för barn på svenska

berattelser.se

کودکان مومی

Skriven av: Southern African Folktale

Illustrerad av: Wiehan de Jager

Översatt av: Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)

Denna saga kommer från African Storybook (africanstorybook.org) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<https://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons

[Erkännande 3.0 Internasjonal Lisens](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/).